



آیا ایستادن به هنگام شنیدن لقب «قائم» مستند شرعی دارد؟

دعبل قصیده ای در محضر امام رضا می خواند و می رسد به ابیاتی که مختص به امام عصر است. دعبل می گوید وقتی من این را خواندم، امام رضا دست بر سر نهاد و به حالت تواضع ایستاد و برای فرج او دعا کرد.

دعبل قصیده ای در محضر امام رضا می خواند و می رسد به ابیاتی که مختص به امام عصر است. دعبل می گوید وقتی من این را خواندم، امام رضا دست بر سر نهاد و به حالت تواضع ایستاد و برای فرج او دعا کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه بیست و چهارم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

ما اهمیت و ضرورت امام را در گستره هستی و در زندگی خود تشخیص نمی دهیم و امام را یک موجود بیرون از زندگی خود می دانیم. ما باید اولاً امید به ظهور حضرت باشیم و ثانیاً این ظهور را نزدیک بدانیم و ثالثاً ایده آل خود را با او یکی بدانیم و رابعاً از وضعیت موجود نسبت به اینکه در جهان امروز ظلم وجود دارد، ناراحت باشیم. باید این امید ظهور وجود داشته باشد و اگر این امید باشد در روایات داریم که اگر مرگ هم سررسید، انسان مانند کسی است که در خیمه حضرت ولی عصر بوده است چون انسان منتظر چنین خصوصیتی دارد. منتظر علاوه بر چهار ویژگی که عرض کردم تکالیفی هم دارد که باید آنها را انجام دهد.

در جلسات قبل یکی از نام های حضرت ولی عصر را که هم نام با پیامبر است مورد بررسی قرار دادیم. برای حضرت چهار اسم دیگر هم وجود دارد.

اسم دوم احمد است. روایتی از امیرالمومنین می فرماید: «له اسمان اسم یخفی و اسم یعلن فأما الذی یخفی فأحمد و أما الذی یعلن فمحمد»؛ یعنی برای حضرت ولی عصر دو اسم که یکی مخفی است و آن احمد است و یکی آشکار است و آن محمد است.

نام سوم را هم برای حضرت قرار می دهند به نام مهدی.

امام صادق می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ ذُيِّرَ فَضَلُّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَ إِذَا سَمِيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ قَدْ ضَلُّوا عَنْهُ وَ سَمِيَ بِالْقَائِمِ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ»؛

یعنی چون قائم آل محمد ظهور کند مردم را به اسلام تازه دعوت می کند و آنها را به آثاری که بر اثر ظلم و بیدادگری از میان رفته و کهنه شده و مردم از آنها بی خبر مانده رهبری می فرماید و قائم را از آن نظر مهدی گفته اند؛ و مردم را به آئینی که مسلمانان از دست داده اند هدایت می کند و او را بدان جهت قائم خوانده اند؛ و برای ابراز حق و ظهور آن قیام می کند.

از امام باقر هم همین مضمون به شکل دیگری روایت شده است: «إِذَا سَمِيَ الْمَهْدِي (مَهْدِيّاً) لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ خَفِيٍّ»؛ نامید شد مهدی چون او مردم را به امر پنهان هدایت می کند. «يَهْدِي لِمَا فِي الصُّدُورِ»؛ هدایت می کند به آنچه که در سینه های مردم است یعنی تمام هدایت گری امام عصر بر مبنای فطرت است.

ما اسم سوم حضرت را مهدی گفتیم حال آنکه این سوال مطرح است که ممکن است این اسم نباشد و وصف باشد؟

روایتی که اسم چهارم امام را بیان می کند در ضمن آن می گوید که «يَهْدِي»؛ اسم حضرت است و وصف و لقب نیست.

چهارمین اسم امام عبدالله است. در کتاب غیبت طوسی آمده است که روای می گوید: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ ذَكَرَ الْمَهْدِيَّ فَقَالَ: إِنَّهُ يَبَاقُ بَيْنَ الرَّكْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ أَحْمَدُ وَ عَبْدُ اللَّهِ وَ الْمَهْدِيَّ فَهَذِهِ أَسْمَاؤُهُ ثَلَاثُهَا»؛

یعنی از وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و اله شنیدم که اینگونه از مهدی علیه السلام یاد کردند: با او بین رکن و مقام بیعت می‌شود، نام او احمد، عبد الله، و مهدی است. اینها هر سه نامهای اوست.

پنجمین اسمی که برای حضرت مطرح می‌کنند مأمَل است. در کتاب غیبت طوسی در روایتی از امام عسکری آمده است. وقتی که حضرت ولی عصر به دنیا آمد، امام عسکری می‌فرماید گمراهان فکر کردند که مرا می‌کشند و من قطع نسل می‌شوم. اینها چطور قدرت خدا را تصور کرده اند؟ نامید نام او را مأمَل؛ مایه امید.

اما در مورد القاب حضرت مهدی باید گفت اساساً لقب در اصطلاح عرب به آن اسمی می‌گویند که دلالت بر ذات می‌کند و علاوه بر آن یک ویژگی را هم در او روشن می‌کند. القابی که ما برای خود انتخاب می‌کنیم اهمیت ندارد ولی لقب در مورد معصوم این ویژگی را دارد که معصوم این لقب را اعطا کرده است. القاب ائمه روشنگر ویژگی ای در او هست که امام قبلی به آن اشاره کرده است.

اولین لقبی که برای امام عصر وجود دارد واژه بقیه الله است. بقیه الله در قرآن در سوره هود آیه ۸۶ آمده است. «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» که داستان امت حضرت شعیب است. قوم شعیب مبتلا به حرص بودند و به دنبال سود بیشتر در تجارت بودند و برای به دست آوردن سود بیشتر کم فروشی می‌کردند.

حضرت شعیب آنها را از این کار نهی می‌کردند و می‌فرمودند که من می‌دانم شما به دنبال درآمد بیشتر هستید اما «بَقِيَّةُ اللَّهِ» آنچه خدا برای شما از درآمد حلال باقی می‌گذارد خیر لکم ان کنتم مومنین. یعنی به دنبال سود بیشتر از هر راهی نباشید.

این «بَقِيَّةُ اللَّهِ» را به هر موجودی که از طرف خدا باقی می‌ماند و منفعت دارد، تسری داده اند. مسلم است که مصداق کامل آن وجود نازنین تمام امامان ما هستند. این یک لقب مشترک است و برای همه ائمه به کار رفته است. در زیارت جامعه کبیره آمده است «السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدَّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَالِدَّادَةِ الْحَمَامَةِ وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولَى الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ» لذا این لقب در تمام چهارده معصوم راه دارد.

در دعای ندبه برای امام زمان می‌خوانید «أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ» یعنی کجاست آن باقیمانده خدا که از عترت هدایت گر خالی نشود.

در حدیث نحوه سلام کردن ما به امام زمان آمده است. مردی خدمت امام صادق رسید و سوال کرد آیا به امام قائم می‌شود با لقب امیرمومنان سلام کرد؟ حضرت فرمود نه؛ امیرالمومنین لقبی است که خدا به علی ابن ابی طالب داده است که قبل از او این لقب را به احدی نداده است و هیچ کس هم بعد از او این لقب را انتخاب نمی‌کند مگر اینکه کافر باشد. لذا هیچ کس حق نداد لقب امیرالمومنین بر خود بگذارد.

آن شخص عرض کرد پس ما چگونه به آن حضرت سلام کنیم؟ حضرت فرمود بگویند «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةُ اللَّهِ» و بعد به آیه شریفه هود استشهاد کردند.

این لقب از آن جهت اهمیت داشت که حضرت ذخیره الهی هستند، به اراده خدا باقی مانده اند و منفعت شان برای جامعه و تمام بشر مخفی نیست.

لقب دوم حضرت «حُجَّت» است که این هم از القاب مشترک است و تمام امامان ما حجت هستند. حجت به معنای دلیل و برهان است که به واسطه او خصم را یا قانع می‌کنیم و یا دفع شر می‌کنیم.

حجت در قرآن در دو آیه سوره نسا آیه ۱۶۵ و سوره انعام آیه ۱۴۹ آمده است.

«رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِنَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» یعنی رسولانی را فرستاد که (نیکان را) بشارت دهند و (بدان را) بترسانند تا آنکه پس از فرستادن رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد، و خدا همیشه مقتدر و کارش بر وفق حکمت است.

«قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» یعنی بگو برای خدا حجت بالغه و رساست، اگر

می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد.

بنابراین به حسب آنچه در قرآن آمده است «حجت» به معنی برهان است. امام کاظم می فرماید «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرَّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيُّمَةُ ع وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُول» یعنی خداوند را بر مردمان دو حجت است: حجتی بیرونی و حجتی درونی. حجت بیرونی همان فرستادگان و پیامبران و امامان علیهم السلام هستند و حجت درونی همان خردها.

روایت دیگر می فرماید «لولا الحجة لساخت الارض بأهلها»

از دیدگاه شیعه آخرین حجت الهی وجود نازنین امام عصر است. لذا به حضرت «حجه ابن الحسن» مشهور است.

داود ابن قاسم می گوید «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِذَاكَ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَةً وَ لَا يَجِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ يَأْسِمُهُ فَقُلْتُ فَكَيْفَ تَذْكُرُهُ قَالَ قُولُوا الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

یعنی من شنیدم از ابی الحسن (علیه السلام) که میفرمود که خلف بعد از من حسن است پس چگونه خواهد بود شما را خلفی بعد از خلف گفتم چه‌گونه است که فدای تو گردم فرمود که شما نبینید شخص او را و حلال نباشد مر شما را ذکر او بنامش گفتم پس چگونه ذکر کنیم او را فرمود که بگوئید الحجة من آل محمد علیه السلام.

یکی دیگر از القاب حجت الله است. شیخ طوسی در توقیعی از امام عصر دارد که «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله عليهم» یعنی اما وقایعی که رخ خواهد داد و مسائل مستحدثه، پس در مورد آنها به راویان احادیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما و من حجت خداوند بر آنان هستم.

یکی دیگر از القاب مهم و مشهور امام، لقب قائم است. قائم هم از القاب مشترک است. قائم یعنی کسی که در اجرای دین ایستاده است.

وقتی نام قائم می آید برخی می ایستند و دست بر سر هم می نهند، آیا این مستند شرعی دارد؟

بحثی هست و آن اینکه ما در سوره حج آیه ۳۲ داریم که کسانی که شعائر الهی را زنده نگاه می دارند از پرهیزکاری دل آنهاست. شعائر یعنی چیزهایی که ما را به یاد خدا می اندازد. مسلماً مصداق واقعی شعائر خدا، ائمه هستند. بنابراین ما اگر از باب شعائر الله احترام به ائمه بگذاریم عمل به قرآن است و یکی از راه های احترام گذاشتن به طرف مقابل این است که در مقابل آن شخصیت بایستید. وقتی اسم امام عصر برده می شود به هر اسمی که باشد، چون ایشان به آن شخص توجه می کند لازم است که انسان از باب تعظیم شعائر بایستد. اما این مسئله اختصاص به واژه «قائم» ندارد.

دعبل قصیده ای در محضر امام رضا می خواند و می رسد به ابیاتی که مختص به امام عصر است. دعبل می گوید وقتی من این را خواندم، «وضع الرضا(ع) یده علی رأسه و تواضع قائماً و دعی له بالفرج» یعنی امام رضا(ع) دست بر سر نهاد و به حالت تواضع ایستاد و برای فرج اودعا کرد.

از اموری که مقتضای ادب و احترام به ساحت امام زمان است، آنکه هنگام یاد نام مقدس «قائم» از جای برخاسته و دست بر سر نهاده و تواضع و احترام به جای آورده شود. از حضرت صادق (ع) درباره علت ایستادن هنگام یاد شدن نام «قائم» سؤال شد، امام (ع) فرمودند: از رسوم ادب این که غلام هنگام نظر انداختن مولای بزرگوار خود، بایستد و خضوع کند و از خداوند فرج و ظهور او را تمنا دارد.

لقب دیگر «قائم من ولدی» است. پیامبر فرمود «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَلَدِي أَثْنَاءَ غَيْبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» یعنی کسی که قائم(مهدی) را که از فرزندان من است در دوران غیبتش منکر شود، بر حالت جاهلیت قبل از اسلام از دنیا خواهد رفت.

لقب دیگر «قائم به حق» است. امام حسین می فرماید «منا اثنا عشر مهديًا أولهم أميرالمومنين

علی بن ابی طالب و آخرهم التاسع من ولدی و هو الامام القائم بالحق یحیی الله به الارض بعد موتها و یظهر به دین الحق علی الدین کله و لو کره المشرکون؛

یعنی دوازدهمین امام که نامش مهدی است از ما است که نخستین آنان علی بن ابیطالب و آخرین آنها نهمین فرزند من است که امام قائم به حق است.